

نگاهی به سریال «دوریت کوچولو» که به تازگی از شبکه تماشای آنتن رفت

سفری در دل زمان

شاید چارلز دیکنز، نویسنده کلاسیک بریتانیایی هیچ ارتباطی با دنیای تصویر نداشته و زمانی که رمان هایش را می‌نوشته، در فکر آن نبوده که امتیاز برگردان تصویری رمان هایش را به هنرمندان سینما یا تلویزیون بدهد. در دوران او اصلاً چیزی به



مهدی دوردوی
مترجم

نام سینما یا تلویزیون وجود نداشت! اما خیلی زود و بعد از اختراع هنرهای تصویری، دیکنز به صورت یکی از چهره‌های مطرح دنیای فیلمسازی و سریال‌سازی درآمد. دلیل آن واضح و مشخص است: نوشته‌های جذاب و سرگرم‌کننده او که همواره با پیام‌های اخلاقی و اجتماعی همراه بوده (و به همین دلیل مورد توجه فراوان اهالی کتابخوان و منتقدان ادبی در همه دوره‌ها بوده است) و در عین حال مخاطبان خود را سرگرم کرده، سوژه‌هایی بسیار مناسب و وزین برای تولیدات هر دو رسانه سینما و تلویزیون است.

توجه فیلمسازان به آثار دیکنز

از همان ابتدای فعالیت هنرمندان رشته‌های تصویری، رمان‌های بلند و داستان‌های کوتاه دیکنز منبع تغذیه فیلمسازان و فیلمنامه‌نویسان بوده است و با آن‌که این داستان‌ها در عصر ویکتوریا رخ می‌دهد و ظاهراً ارتباطی با دنیای معاصر ندارد، خوراک مناسبی برای سریال‌های تلویزیونی و حتی فیلم‌های سینمایی بوده است. منتقدان ادبی و سینمایی یک صدا دلیل توجه فیلمسازان به داستان‌های دیکنز را در جذابیت موضوعات آن می‌دانند که با پیام‌های اجتماعی و خانوادگی مناسبی همراه شده و این داستان‌ها را به عنوان آثاری معرفی می‌کنند که فاقد زمان و مکان است و می‌تواند در هر دوره زمانی و در هر نقطه‌ای از کره خاکی اتفاق بیفتد. این جهانشمول بودن داستان‌های دیکنز، عامل اصلی پایداری و ازلی بودن‌شان است.

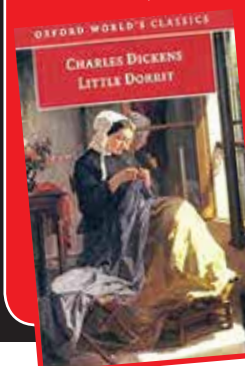
نویسنده مشهور و تاریخ سریال‌سازی انگلیس

«دوریت کوچولو» یکی از همان نمونه‌های موفق است که داستانش را از یکی از نوشته‌های این نویسنده کلاسیک به همین نام گرفته است. این محصول سال ۲۰۰۸ یک مینی‌سریال است که داستان خود را طی ۱۲ اپیزود نیم‌ساعته و یک قسمت پایانی یک‌ساعته به تصویر می‌کشد. درام‌های دوره‌ای و تاریخی (که دیکنز از متخصصان درجه یک نگارش آنها به حساب می‌آید) جای ویژه‌ای در کار و فعالیت برنامه‌سازان انگلیسی دارد. آنها هر چند وقت یک‌بار سراغ داستانی از کتاب‌های

برش

چارلز دیکنز معلم بازیگری

کлер فوی، بازیگر نقش دوریت کوچولو در مصاحبه‌ای در این باره گفت که حضورش در این مجموعه باعث شد تا چیزهای زیادی



در رابطه با هنر بازیگری یاد بگیرد و به شوخی اعلام کرد چارلز دیکنز، معلم بازیگری‌اش بوده است!

دیکنز رفته و آن را به صورت مجموعه‌ای جذاب و تماشایی تولید می‌کنند. به خاطر همین است که در تاریخ سریال‌سازی انگلستان می‌توان داستان‌هایی از دیکنز را سراغ گرفت که در سال‌های مختلف، توسط هنرمندان مختلف و متفاوت به سریال تبدیل شده است. اندرو دیویس، نویسنده فیلمنامه نسخه تلویزیونی دوریت کوچولو و خالق آن، خود از طرفداران چارلز دیکنز به حساب می‌آید. او در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ تلاش زیادی کرد تا سریال خود را تهیه کند. با این حال، کارگردانی مجموعه را خودش انجام نداد و ترجیح داد از سه فیلمساز قالب کوچک کمک بگیرد که یکی از آنها هم خانم بوده است. با آن‌که داستان دوریت کوچولو در فاصله سال‌های ۱۸۵۵ تا ۱۸۵۷ نوشته و منتشر شده است، دیویس فیلمنامه خود را به گونه‌ای نوشت که بسیار امروزی به نظر می‌رسد و نوع کار ساخت سریال به گونه‌ای است که گویی ماجراها در تاریخ معاصر رخ می‌دهد. کлер فوی در سریال نقش امی دوریت یا همان دوریت کوچولو را بازی می‌کند و متیو مکفادین در قالب شخصیت آرتور کلنلن ظاهر شده است. این دو، مهم‌ترین کاراکترهای داستان به حساب می‌آیند.

مسئولیت بزرگ بر شانه‌های کوچک

امی دوریت با وجود آن‌که بسیار جوان است، مسئولیتی بزرگ به دوش دارد. او باید کار کند تا بتواند خرج خانواده را تأمین کند. پدر او به خاطر گناهی که مرتکب نشده، محکوم شده و دوران زندانش را در شهر لندن سپری می‌کند. زندگی دوریت و خانواده‌اش با زار راه رسیدن آرتور کلنلن (پسر رئیس دوریت) دستخوش تغییر و تحولی بزرگ و ناگهانی می‌شود. آرتور برگشته تا از یک راز بزرگ و پنهان خانوادگی رمزگشایی کند. این رمزگشایی مربوط به ارث و میراث مرموز خانوادگی‌اش است که زندگی و آینده خانواده دوریت و خودش را به هم پیوند می‌زند. برخورد منتقدان انگلیسی با سریال بسیار خوب بود. آنها دوریت کوچولو را اقتباسی وفادارانه و در عین حال امروزی و صمیمی از نوول دیکنز معرفی کردند. از جمله منتقد نشریه ایندپندنت نوشت: «با آن‌که داستان دیکنز گل سرسید سریال به حساب می‌آید، بازی‌های بازیگرانش تمامی توجهات را به خود جلب می‌کند. درحقیقت همین بازی‌های قوی و منطبق بر داستان و حال و هوای درونی آن است که تماشاگران را کاملاً درگیر ماجراهای داستان کلاسیک دیکنز می‌کند. این بازی‌ها تماشاگر را همراه خود به قلب انگلستان عصر ویکتوریا می‌برد و از همان زمان، به زمان حال برمی‌گرداند. انجام دقیق و تمام و کمال این موضوع، تنها و تنها به واسطه کارگردانی دقیق و نظارت برنامه‌ساز موفق است که نبض کار را می‌داند و شیوه کارش را بلد است.»

